

دکتر اصغر نظریان  
دانشگاه تربیت معلم تهران  
شماره مقاله: ۳۶۶

## جایگاه شهرهای کوچک در سازماندهی فضایی و توسعه ملی (مورد؛ استان زنجان\*)

Dr. Asghar Nazarian

*Teacher's Training University of Tehran*

### **La situation de petites villes dans l'organisation spatiale et développement national: Le cas de Province de ZANDJAN**

Dans Les pays en developpement, Les grandes villes sétendent et leurs populations se multiplient rapidement. Tandis que stratégies spatiales nationales ou l'organisation de l'espace dans plus part de pays est fondé sur la croissance de petites villes. Cette politique urbaine est devenue un choix d'aménagement totale, pourtant ce choix d'organisations et de développement national est plus quantitatif que qualitatif, et les petites villes restent toujours en marge du développement urbain.

Le cas d'Iran n'exclue pas de cette condition. La croissance de la population de grandes villes Iraniennes a provoqué déséquilibre spatial.

Dans cette situation le cas de provionce de ZANDJAN au nord - ouest de l'Iran est très remarquable.

---

\* این مقاله در چارچوب طرح پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی شهرها و شبکه شهری استان زنجان» که با اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم تهران زیر نظر این جانب اجرا شده، نوشته شده است.

## مقدمه

یکی از وجوه مشخص سیاستهای برنامه‌ریزی در غالب کشورهای در حال توسعه، گرایش مشخص و سیاست‌گذاریهای آنها به نفع شهرهای کوچک و متوسط می‌باشد. تصور عمومی بر این است که شهرهای بزرگ خارج از مقیاس اقتصادی یا بهینه رشد یافته‌اند و از آنجا که مکانیزمهای اقتصادی قادر به جلوگیری از رشد آنها نیستند لزوماً سیاستهای خاصی برای تشویق عدم تمرکز، تعادل فضایی و توسعه مراکز شهری متوسط و کوچک باید گسترش یابد.

جامعترین شواهد این گرایش را می‌توان در سیاستها و گزارشهای جمعیتی جهان جستجو کرد. در این رابطه سازمان ملل متحد تحقیقاتی را به صورت دوره‌ای انجام می‌دهد و نتایج آن را منتشر می‌سازد. این تحقیقات بر اساس کسب اطلاعات از کشورهای مختلف در زمینه سیاست دولتها و اثرات آن و نیز بینش و برداشت آنها از مسائل مربوط به جمعیت و توسعه شکل یافته است. مباحثی که موضوعاتی چون سیمای جمعیتی، توزیع درآمد، مهاجرت‌های روستایی و شهری و مهم‌تر از همه توزیع فضایی جمعیت را در بر می‌گیرد. نتیجه نهایی این مباحث به آنجا ختم می‌شود که آیا دولتها از نحوه توزیع فضایی جمعیت راضی هستند یا خیر؟ و اگر چنین نیست، این توزیع نامناسب را به چه امری نسبت می‌دهند و چه نوع مداخله یا دخل و تصرفی را به منظور تعادل بخشی این توسعه فضایی نامناسب مورد توجه قرار می‌دهند؟ دلایل مشخص چنین شکل‌گیری فضایی را در رشد و گسترش بی‌رویه شهرها می‌توان جستجو کرد: در چند دهه اخیر شهرها با سرعت بیشتری گسترش یافته و به شهرهای بزرگ تبدیل شده‌اند. این گسترش همانطور که ذکر شد در کشورهای در حال توسعه حادتر است. در این میان رشد سریع شهرنشینی در دنیا در همه جا بطور متعادل صورت نگرفته است و بلکه عمده شامل شهرهای بزرگ و پایتختها بوده است. تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ گویای این واقعیت است و حتی در بعضی از کشورها ۳۰٪ جمعیت کشور را شامل می‌شود. تحولات اقتصادی و دخالت‌های سیاسی موجب پیدایش قطب‌های بزرگ صنعتی و شبکه‌ای از شهرهای بزرگ و «مگالاپلیس»ها شده و بدین ترتیب نظم فضایی خاصی را در سطح ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی به وجود آورده است.

کشور ما نیز در نیم قرن اخیر بخصوص در ۳ دهه آخر آن از این قاعده مستثنی نیست و رشد شهرنشینی و افزایش شهرها و جمعیت شهری آن سرعت بیشتری یافته است. افزایش جمعیت شهری و توسعه شهرنشینی تنها ناشی از افزایش طبیعی جمعیت ایران نیست، بلکه علی‌رغم انجام اصلاحات ارضی که می‌بایست به پیوند جغرافیایی روستاییان با روستاها منتهی می‌شد، به دلایل متعدّد موجب کاهش اهمیت بخش کشاورزی از یک سو و رشد سریع شهرها از سوی دیگر و نتیجه آن ایجاد روند

مهاجرتی از روستا به طرف شهرها شد. این امر علاوه بر افزایش جمعیت شهری موجبات ناموزونی در شبکه شهری ایران، گسیختگی پیوند فضایی شهر و روستا و عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت را فراهم آورد<sup>۱</sup>.

بررسیهای مقدماتی با توجه به جدول شماره ۱، توسعه شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت و وجود شهر تهران به عنوان یک شهر برتر و نخستین در پنج دوره سرشماری و افزایش این تفوق و برتری از گذشته تا حال را نشان می‌دهد. در این بررسی ملاحظه می‌شود که فضایی ملی پیرامون چند متروپل منطقه که در مقایسه با شهرهای کوچکتر کادر بالای خدمات تخصصی، اقتصادی و سیاسی را عرضه می‌دارند، سازمان یافته است. بالاخره شبکه شهرهای متوسط بخصوص شهرهای کوچک علی‌رغم افزایش تعدادشان، از نسبت جمعیت کمتری برخوردار هستند. این شهرها با پیوستگی به مراتب بالای نظام شهری ایران با این که روابط اورگانیکی خود را هنوز با جامعه روستایی و کشاورزی حفظ کرده‌اند ولی به صورت اقماری و حاشیه‌ای با اهمیت کمتری در سازماندهی فضایی، در نظام شبکه شهری ایران تجلی می‌کنند.

چنین حالتی با شدت و ضعف ولی بطور غالب در بیشتر مناطق ایران دیده می‌شود. در مجموع ده شهر بزرگ و متروپل منطقه‌ای با گرفتن فاصله از شهرهای پایین دست خود و بریدن از پایتخت در نظام شهری ایران گسستگی حاصل کرده‌اند. گرایش به افزایش جمعیت در شهرهای بزرگتر و افزایش تعداد شهرهای کم جمعیت، اولی بر مبنای توسعه و سیاست اقتصادی و دومی بر مبنای سیاست اداری کشور نمایان است. ولی در مجموع این دو گروه با یکدیگر متناسب نیستند. افزایش تعداد شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای متوسط بخصوص کوچک و روستا شهرها عمل می‌کند. اختلاف ناحیه‌ای و سیاست اداری به این مسائل دامن زده ولی سیاست اقتصادی عامل مهمی در توزیع نامتعادل سلسله مراتب شهری می‌باشد. به همین علت نظام توسعه شهری کشور با مشکلات و تنگناهای اساسی روبرو است. الگوی استقرار جمعیت و قانونهای زیستی از نظام بهره‌گیری متناسب ظرفیتها و استعدادهای موجود تبعیت نکرده و سیمای اسکان جمعیت تصویر متعادل و متناسبی ارائه نمی‌دهد. الگوی توزیع نامتوازن مراکز شهری تأثیر بارزی بر روند توسعه شهری به جای گذاشته است. حوزه‌های اشتغال‌زا و پرتوان (قطبهای متمرکز) به جذب نیروی کار بیشتر و حوزه‌های بی‌رونق و کم‌توان (نقاط محروم و عقب‌مانده) با دفع نیروی کار و جمعیت مواجهند.

۱- اصغر نظریان، جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۴.

جدول شماره ۱: تعداد جمعیت و سلسله مراتب مقدماتی شهرهای ایران در پنج دوره سرشماری<sup>۲</sup>

ملاحظات	روستا شهر	شهر کوچک		شهر متوسط	شهر بزرگ	شهر کلان	تعداد شهرها	جمعیت کل شهری	تعداد کل	دوره‌های سرشماری	ردیف
		مراکز شهر	شهر								
-	کمتر از ۲۵/۰۰۰	۲۵/۰۰۰ تا ۵۰/۰۰۰	۵۰/۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰ تا ۵۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰ تا ۱/۵۰۰/۰۰۰	+۱/۵۰۰/۰۰۰					
-	۱۵۹	۲۲	۹	۸	۰	۱	۱۹۹	۵/۹۹۷۱۶۱	۳۱/۴	۱۳۳۵	۱
-	۲۱۳	۳۰	۱۵	۱۳	-	۱	۲۷۲	۹/۷۱۴۶۱۲	۳۹	۱۳۳۵	۲
-	۲۸۳	۲۵	۲۲	۱۹	۳	۱	۳۷۳	۱۵/۸۵۲۶۸۰	۴۷	۱۳۵۵	۳
خالی از سبزه	۳۳۳	۶۷	۴۶	۳۳	۷	۱	۴۹۶	۲۶/۸۵۲۸۹۴	۵۴/۳	۱۳۶۵	۴
-	۳۲۸	۸۴	۵۵	۳۹	۶	۲	۵۱۴	۳۱/۸۳۶۵۹۸	۵۷/۰.۲	۱۳۷۰	۵

۲- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهرماه ۱۳۶۵، نتایج نهایی، شهرهای کشور، شماره ۹، ۱۳۶۸ و نیز حبیب‌الله زنجانی و فریدون رحمانی، راهنمای جمعیت شهرهای ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸.

شبکه شهری ایران، عملکرد سلسله مراتبی نداشته و شمار کانونهای زیستی، توزیع فضایی و حجم جمعیتی آنها از یک نظام کارکردی سلسله مراتبی تبعیت نمی‌کند، شبکه شهری همچنان در جهت تمرکزگرائی در حال تحوّل است. فاصله تهران و شهرهای بزرگ با شهرهای میانه و کوچک بیشتر شده و تفاوت‌های کمی و کیفی و عملکردی آنها با یکدیگر آشکارتر می‌شود. در مجموع سطوح شبکه شهری در عملکردهای خود نامتعادل و ناتوان است. نتیجه آن که اقدامات و تصمیم‌گیریهای اجرایی به زیان سطوح میانی و پایینی شبکه شهری و به سود تهران و شهرهای بزرگ منجر شده است.<sup>۳</sup>

هدف از این بررسی ارائه تصویری از نظام نامتعادل توسعه شهری در کشورهای جهان سوم، ایران و استان زنجان و ارتباط با یکدیگر به منظور دستیابی به راه‌حلهای مناسب در تحکیم جایگاه شهرهای کوچک در توسعه ملی و سازماندهی فضایی می‌باشد.

### طرح مسأله و اهداف

در این تحقیق دو هدف دنبال می‌شود، هدف اول مروری بر مدارک و شواهدی بر این نکته است که آیا شهرهای کوچک رشد می‌کنند یا نقصان می‌پذیرند؟ هدف دوم در جستجوی آن است که آیا رهنمودی برای توسعه آتی آنها وجود دارد یا خیر و در صورت امکان راه‌حلهای چگونه باید باشد؟ در مورد اول بر حسب مقیاس و متدولوژی که برای این منظور استفاده می‌شود اشکال دگرگونی و روند آن مشخص می‌شود. و در مورد دوم تأثیرپذیری، اثرگذاری و مکانیزم عوامل مختلف در رشد و پویایی شهرهای کوچک مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعضی گسترش بخش کشاورزی و افزایش درآمدهای روستایی را کلید موفقیت شهرهای کوچک دانسته و استفاده از تجربیات کشورهای مختلف را در این باره مفید می‌دانند و معتقدند که در کشورهایی که سطح شهرنشینی در آنها تا حد قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر بوده و سیستم شهرنشینی برنامه‌ریزی شده یک ایده نو به شمار می‌آید، این نوع شهرها جایگاه مناسبی دارند. بعضی هم نقش شهرهای کوچک و متوسط را در توسعه ملی مؤثر می‌دانند. این دانشمندان شهرنشینی اشاعه یافته از پایین را که توسعه شهرهای کوچک و متوسط را در بر دارد وسیله‌ای میسر و عملی برای توسعه کشورهای در حال توسعه دانسته‌اند. دلیل اصلی توجیه چنین شیوه‌ای استراتژی‌هایی است که هدف آن کمک به رفع نیازهای روستایی در مجاورت محل زندگی آنان است. مناسبترین راه برای تحقق این هدف مهیا کردن وسایل رشد و پیشرفت شهرهای کوچک و متوسط از پایین می‌باشد. به

۳- دکتر اصغر ارجمندنیا: «نقش شهرهای میانه در نظام اسکان جمعیت»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال سوم.

نحوی که در روند توسعه، یک سیستم شهری بسط یافته و به صورتی ارگانیک به اهداف جمعیتی پیوند یابد. البته به نظر بعضی دانشمندان مشکلات سیاستگزاری در زمینه شهرهای کوچک و متوسط در کشورهای که عمران و توسعه را در قالب اقتصاد مختلط جستجو می‌کنند دشوارتر است. تجارب بعضی از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که الگوهای معلولی و تبعی شهرنشینی ناشی از ترکیب رشد سریع جمعیت، همراه با پیشرفت اقتصادی آهسته و کند آنهاست. در صورتی که توسعه اجتماعی و اقتصادی سرعت یابد جریان نقل و انتقالات جمعیتی را تسریع می‌کند و احتمال تأثیر نهادن بر الگوهای شهری را به نفع شهرهای کوچک و متوسط و در مقابله با روند کلان شهری شدن را ممکن می‌سازد. البته مشکلاتی که شهرهای کوچک و متوسط با آن مواجهند بسیار پیچیده است و کم و بیش در مضمون مدرنیزه کردن کشاورزی و توسعه و در مسائل وسیعتر شهرنشینی و توسعه ملی گرفتار شده است. برای پی بردن دقیق به این نکته که چه عواملی در رشد شهرهای کوچک مؤثرند؟ و این که چه چیز شهرهای کوچک را معتبر می‌سازد و جایگاه آنها را تحکیم می‌بخشد به مطالعات در مکانها و موقعیتهای خاص نیازمند است.<sup>۴</sup>

مورد کشورمان نیز از این قواعد مستثنی نیست و عوامل متعدّد اقتصادی، اجتماعی - سیاسی و تبانیهای جغرافیایی در ایران به عدم تعادل ناحیه‌ای منجر شده است که نتیجه آن تفاوت در ساختار و پراکندگی جمعیت در سطح ملی است. چنین حالتی ترتیب شکل‌گیری فضای ملی را دچار اختلاف کرده است. بطور کلی بنیادهای جغرافیایی در جذب جمعیت نیز شرایط اکولوژیکی خاص خود را طلب می‌کنند که عدم تعادل در آن موجب برهم زدن شرایط زیست محیطی خواهد شد. علاوه بر این که مکان‌گزینی خاص آنها در ارتفاعات و نواحی خشک امکان توسعه فضای شهری را نیز دچار اشکال می‌کند.<sup>۵</sup> بدین ترتیب با توجه به مجموعه شرایط و مسائل عنوان شده و تجربیاتی که در طول دهه‌های گذشته به دست آمده است تصمیم‌گیری در سیاست تعادل بخشی نظام شهری ایران را باید از کجا شروع کرد؟ مسلماً ضرورت سرمایه‌گذارهای اقتصادی، پیدایش قطبهای توسعه را ایجاب می‌کند و بخشی از این سرمایه‌گذارها و فعالیتهای اقتصادی، آستانه‌ای از تمرکز جمعیت و نیروی انسانی را طلب می‌کند که ضرورتاً به قطبی شدن بعضی شهرها یا ایجاد مراکز جدید منجر خواهد شد. علاوه بر این ضرورت ایجاد

۴- پراکاش، مانور (UNCRD)، مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد، نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی

۱۹۸۲، ترجمه شعله‌نوری، انتشارات مدیریت امور عمران شهری و مسکن، تیرماه ۱۳۶۵.

۵- اصغر نظریان، «نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، ۱۳۷۳.

شبکه‌ای از مادر شهرهای منطقه‌ای و ناحیه‌ای و ایجاد شهرهای جدید، مسائل دیگری هستند که در شبکه و نظام شهری کشور مؤثر خواهند بود. در درون چنین بنیادهای غیرقابل تغییر و متغیر و برون‌زا جایگاه شهرهای کوچک را باید در کجا جستجو کرد و اهمیت و پایگاه آنها چگونه باید باشد؟

### الف - شبکه شهری، رشد و توزیع جمعیت شهری در کشورهای جهان سوم

براساس تحقیقی که در سال ۱۹۷۶ صورت گرفته و در سال ۱۹۷۷ توسط سازمان ملل منتشر شده ۷۱ کشور یا ۶۲٪ از ۱۱۴ کشور در حال توسعه بر این عقیده بوده‌اند که توزیع فضایی جمعیت آنها غیرقابل قبول بوده و از این رو به اصلاحات اساسی برای ایجاد تغییرات قابل توجه در توزیع فضایی و جابجایی داخلی جمعیت، پرداخته‌اند. ۲۴ کشور یا ۲۰٪ کشورها بر این عقیده بوده‌اند که نحوه توزیع جمعیت در کشورشان تا حدی غیرقابل قبول بوده و در خور مداخله و سیاست‌گذاری است. نتایج تحقیق سال ۱۹۷۸ نیز نظرات اخیر را مورد تأیید قرار می‌دهد، از ۱۱۶ کشور مورد گزارش ۶۸ کشور یا ۵۸٪ آنها چگونگی توزیع جمعیت خود را کاملاً غیرقابل قبول و ۴۲٪ کشورها تا حدی قابل قبول دانسته‌اند.

در تمام موارد گزارشها بر این نکته اشاره دارند که علت اصلی این امر توزیع ناهماهنگ جمعیت در مراکز شهری در ابعاد مختلف بوده و تمرکز زیاد جمعیت که ناشی از جریانات کنترل نشده مهاجرت از روستاها و مراکز شهری کوچک است، تنها به چند مرکز شهری و کلان شهر صورت گرفته است. براساس گزارش ۱۹۷۹ توزیع فضایی ناهماهنگ جمعیت مانع اصلی توسعه اقتصادی - اجتماعی همه‌جانبه بوده است.<sup>۶</sup>

تجزیه و تحلیل اطلاعات سازمان ملل در زمینه توزیع جمعیت از طریق گروههای شهری نشان می‌دهد که در طول دهه‌های گذشته جمعیت گروه شهرهای کم جمعیت و کوچک تقلیل پیدا کرده و نرخ رشد شهرهای کوچک بسرعت کاهش یافته است (جدول شماره ۲). اطلاعات این جدول نشان می‌دهد که نرخ رشد جمعیت شهرهای واقع در گروه ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر دهه ۱۹۵۰ به بعد بسرعت کاهش یافته است، و نرخ رشد از ۶۳/۱٪ که در دهه ۶۰-۱۹۵۰ مشاهده شده به ۱۲/۶٪ در دهه ۷۰-۱۹۶۰ کاهش یافته است. این جدول همچنین نشان می‌دهد که در مقایسه با ۲۲/۲٪ جمعیت شهری که این گروه از شهرها در سال ۱۹۵۰ در اختیار داشته‌اند، سهم آنها در سال ۱۹۷۰ به ۱۶/۷٪ رسیده است. این وضع حاکی از تنزل این شهرها در مجموعه سلسله مراتب شهری است. در مقابل سهم شهرهای ۱۰۰ هزارنفری و بیشتر در کل جمعیت کشورهای در حال توسعه بطور مشخصی افزایش یافته است. این

۶- پراکاش، مانور (UNCRD)؛ مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد). همان منبع.

وضع بیانگر الگوی رشد شهری نامتعادل طی این دهه‌ها می‌باشد. هرچند به سبب روشهای برآورد، ارزیابی این دسته از اطلاعات باید با احتیاط تلقی شود.

جدول شماره ۲: ارزیابی جمعیت شهری در کشورهای کمتر توسعه یافته  
بر حسب گروههای شهری، ۱۹۸۰

سال	کمتر از ۲۰ هزار نفر		۲۰ هزار نفر تا ۱۰۰ هزار		بیش از ۱۰۰ هزار نفر		کل جمعیت شهری
	جمعیت به میلیون نفر	درصد از کل	جمعیت به میلیون نفر	درصد از کل	جمعیت به میلیون نفر	درصد	
۱۹۵۰	۷۵/۵	۲۸/۲	۵۹/۴	۲۲/۲	۱۳۲/۷	۴۹/۶	۲۶۷/۶
۱۹۶۰	۱۰۶/۱	۲۴/۱	۹۶/۹	۲۲/۱	۲۳۶/۵	۵۳/۸	۴۳۹/۴
نرخ رشد ۶۰-۵۰	۴۰/۴	-	۶۳/۱	-	۷۸/۲	-	-
۱۹۷۰	۱۷۱	۲۶/۲	۱۰۹/۱	۱۶/۷	۳۷۱/۴	۵۷	۶۵۱/۵
نرخ رشد ۶۰-۷۰	۶۱/۳	-	۱۲/۶	-	۵۷	-	-
۱۹۸۰	۲۴۶/۳	۲۵/۴	۱۰۲/۲	۱۰/۵	۶۲۳/۹	۶۴/۱	۹۷۲/۴
نرخ رشد ۸۰-۷۰	۴۴/۲	-	۶/۰۳	-	۶۷/۹	-	-

مأخذ: کنفرانس بین‌المللی جمعیت و آینده شهر- رم، سپتامبر ۱۹۸۰.

در مناطق مختلف جهان تفاوت‌هایی ملاحظه می‌شود. ولی نشانه کلی در روند نرخ رشد جمعیت شهرهای بزرگ و کوچک همچنان مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، کشورهای امریکای لاتین نتایج جالب توجهی را نشان می‌دهند. کشورهای این قاره به دو دسته مشخص تقسیم می‌شوند: گروه اول شامل کشورهایی است که نرخ رشد جمعیت در شهرهای ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر کمتر از نرخ رشد شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر است. دسته دوم شامل کشورهایی بوده که در آنها چنین گرایش مشابهی مشاهده نمی‌شود<sup>۷</sup> (جدول شماره ۳).



## جدول شماره ۳: نرخ رشد جمعیت بر حسب اندازه شهرها در کشورهای امریکای لاتین

کشورهای با بیش از ۱۰ میلیون جمعیت	نرخ رشد شهرهای ۱۰۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	نرخ رشد شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر	کشورهای با کمتر از ۱۰ میلیون نفر جمعیت	نرخ رشد شهرهای ۱۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	نرخ رشد شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر
آرژانتین	۰/۲۹	۲/۷	اکوادور	۸/۸۴	۵/۲۲
برزیل	۵/۴۱	۶/۶۹	اوروگوئه	۳/۲۸	۱/۸۱
کلمبیا	۴/۷۳	۷/۱۴	ال سالوادور	۷/۶۶	۳/۲۳
شیلی	۳/۶۰	۴/۳۰	گوآتمالا	۷	۳/۹۸
مکزیک	۴/۸۹	۵/۵۳	هائیتی	۷/۷۵	۶/۳۸
پرو	۳/۳۳	۶/۸۶	جمهوری دومینیکن	۹/۲۳	۷/۹۷
ونزوئلا	۴/۲۹	۷/۸۶			

در کشورهایی که جمعیتی معادل ده میلیون یا بیشتر دارند، نرخ رشد جمعیت شهرهای ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر کمتر از نرخ رشد شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر می‌باشد. در مقابل در کشورهایی که جمعیتی کمتر از ده میلیون نفر دارند، نرخ رشد بالاتری برای شهرهای واقع در گروه ۲۰ تا صد هزار نفر مشاهده شده است.

اطلاعات مشابه در مورد همه کشورهای افریقایی و آسیایی به صورت آماده در دسترس نیست. ولی برای بعضی کشورها اطلاعاتی از این نوع وجود دارد مثلاً: اطلاعات در مورد هندوستان نشان می‌دهد که متوسط نرخ رشد سالانه شهرهای درجه دوم (۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر) و شهرهای درجه سوم (۲۰ تا ۵۰ هزار نفر) بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۱ به ترتیب ۴/۱۳٪ و ۲/۵٪ بوده است. در حالی که این رقم برای گروه شهرهای صد هزار نفر و بیشتر ۴٪ بوده است. در کشورهای کره و فیلیپین گرایشهای مشابهی مشاهده می‌شود. بطوری که نرخ رشد شهرهای کم جمعیت از متوسط رشد برای کلیه نواحی شهری کمتر بوده در حالی که این رقم برای شهرها بزرگتر بیش از متوسط رشد بوده است.

مجموعه اطلاعات فوق بیانگر این مسأله است که کشورهای در حال توسعه، علی‌رغم این که برای شهرهای متوسط و کوچک و نیز الگوی عدم تمرکز توسعه فضایی قائل به رجحان می‌باشند ولی رشد شهرهای بزرگ و جمعیت شهری متروپل و کلان شهرها به ضرر شهرهای متوسط بخصوص کوچکتر عمل کرده و نقش شهرهای کوچک کاهش پیدا کرده است. در حالی که پیوند فضایی این شهرها با نواحی

پیرامونی و جوامع روستایی از اولویت خاصی برخوردار است. شهرهای کوچک در سازماندهی فضای ناحیه‌ای، منطقه‌ای و پیوند با فضاهاى روستایی نقش اساسی دارند. بدین ترتیب این سؤال مطرح می‌شود که در این کشورها نقش شهرهای کوچک و جایگاه آنها در روند توسعه ملی چگونه باید باشد؟

### ب - جایگاه شهرهای کوچک، رشد و توسعه آنها در ایران

فراآیند تحولات و شکاف عمیق اقتصادی بین جامعه روستایی و شهری، مهاجرت گسترده از روستا به شهرها، باعث رشد سریع و شتابان جمعیت شهرها و تعداد آنها شد. عوامل دافعه روستایی بعد از اصلاحات ارضی در کنار عوامل جاذبه یعنی ویژگیهای مثبت شهرها با دگرگونیهای وسیع اقتصادی و نیاز به نیروی کار موجب کاهش روزافزون شاغلین در بخش کشاورزی و مهاجرت روستاییان به شهرها شد. رشد انفجاری جمعیت شهرنشین و رشد شتابان آن بعد از سالهای ۱۳۴۵ که بازتاب واقعی اصلاحات ارضی و سرمایه‌گذاریهای ملی و رشد سریع سرمایه‌گذاریها در شهرها بود، به فروپاشی کامل نظامهای تولیدی ما قبل سرمایه‌داری به همراه تکمیل و توسعه مناسبات جدید در شهرها انجامید و باعث تشدید جریانهای مهاجرتی شد.

طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ رقم مطلق جمعیت شهرنشین به  $9/7$  میلیون نفر و درصد آن به کل جمعیت کشور به  $39\%$  افزایش یافت. افزایش مطلق جمعیت شهری یعنی تقریباً دو برابر شدن آن نسبت به سال ۱۳۳۵ گویای توسعه جمعیت شهری و جابجایی سریع جمعیت روستایی به طرف شهر است. رشد سالیانه جمعیت شهرها در این فاصله  $5/1\%$  بود که با توجه به رشد طبیعی جمعیت که  $3/1\%$  درصد را نشان می‌داد، چشمگیر است. در این دوره شهرها در طبقات جمعیتی مختلف، رشدی معادل  $2/3$  تا  $8/4\%$  داشتند. سرشماری سال ۱۳۵۵ افزایش چشمگیر جمعیت شهری را نشان می‌دهد، متوسط رشد سالانه در این دوره  $42/4\%$  بوده است. رشد سالانه در طبقات مختلف جمعیتی شهرها تا  $5/8\%$  افزایش داشته است و بیشتر در شهرهای بالای صد هزار نفر صدق می‌کند و شهرهای کوچک رشد منفی داشته‌اند. این مسأله نتیجه تمرکز سرمایه‌گذاریها، توسعه شهرهای بزرگ و رشد زیرساختهای اقتصادی و رفاهی در گروه شهری بالای صد هزار نفر می‌باشد. بدین ترتیب شهرهای بزرگتر به ضرر شهرهای متوسط و کوچک و روستا، شهرها بخش عمده توسعه، رشد و افزایش جمعیت را به خود اختصاص داده و علی‌رغم سهم محدود تعداد این گروه از شهرها که جمعاً ۲۳ شهر را تشکیل می‌دادند در مقابل ۲۸۳ شهر کمتر از ۲۵ هزار نفر از رشد بیشتری برخوردار بوده‌اند (جدول شماره ۴).

در سرشماری سال ۱۳۶۵ جمعیت شهرنشین به  $26/9$  میلیون نفر و درصد آن به  $54/3\%$  می‌رسد. رشد سالانه جمعیت شهری نیز به  $7/1\%$  افزایش می‌یابد. این افزایش در سطوح جمعیتی شهرهای ایران

جز یک مورد منفی آن هم در شهرهای ۵ تا ۱۰ هزار نفر بین ۳/۲٪ تا ۲۷/۶٪ متغیر است. از عوامل مشخصه این دوره باز هم افزایش جمعیت شهرهای پرجمعیت و فاصله گرفتن آنها از شهرهای کوچک کشور است. مجموعه شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر عمده ترین جمعیت شهری را به خود اختصاص داده اند و با شهرهای بالای ۵۰ هزار نفر که جمعاً ۸۷ شهر را شامل می شد بیش از ۷۷٪ جمعیت شهری را در خود جای دادند. سهم جمعیت شهری شهرهای کمتر از ۵۰ هزار نفر که ۳۰۹ شهر را شامل می شد و  $\frac{4}{5}$  شهرهای کشور را تشکیل می داد فقط ۲۳٪ جمعیت شهری بود.

در سرشماری سال ۱۳۷۰ این روند ادامه داشت تا این که در سال ۱۳۷۵ درصد جمعیت شهری به ۶۰٪ افزایش یافت. تعداد شهرهای بالای یکصد هزار نفر به ۴۸ شهر و شهرهای میلیونی به ۴ شهر رسید. از ویژگیهای این دوره کاهش نسبی و روند افزایش جمعیت شهری نسبت به سالهای قبل از ۱۳۶۵ می باشد.

افزایش تعداد نقاط شهری از موارد مشخص در دهه های اخیر و دوره رشد شتابان شهری است. در سال ۱۳۳۵ که تعداد نقاط شهری ۱۹۹ شهر بود بیشترین شهرها به گروه شهرهای ۵ تا ۲۵ هزار نفر تعلق داشت (جدول شماره ۴). از مجموعه نقاط شهری ۸ شهر بالای یکصد هزار نفر جمعیت داشتند. در دوره های بعد نقاط شهری بالای یکصد هزار نفر به ترتیب به ۱۳، ۲۳، ۴۰، ۴۱ و ۴۸ شهر افزایش یافت و بقیه شهرها به شهرهای متوسط و کوچک تعلق داشت (جدول شماره ۴).

ارزیابی درصد جمعیت شهری در طبقات جمعیتی مختلف رشد جمعیت شهرهای بالای یکصد هزار نفر و متوسط را به نسبت شهرهای کوچکتر، بخصوص روستا شهرها نشان می دهد: در حالی که در سال ۱۳۳۵ درصد جمعیت شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر فقط ۵۰/۸۶٪ بوده است این رقم در سال ۷۰ به حدود ۶۷٪ افزایش می یابد که با مجموع شهرهای بالای ۲۵ هزار نفر از ۷۴٪ به ۸۶٪ می رسد. رشد منفی جمعیت شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر مانند بیشتر کشورهای جهان سوم که ذکر آن گذشت از ویژگیهای شهری ایران است که بیانگر عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت در مناطق شهری کشور است. این شرایط نشان می دهد که توزیع جمعیت در گروههای شهری در طول دهه های گذشته به ضرر شهرهای کم جمعیت و کوچک بوده و جایگاه آنها را علی رغم افزایش چشمگیر تعداد آنها در جذب جمعیت تضعیف کرده است.

جدول شماره ۴: تحولات تعداد جمعیت شهری در طبقات مختلف جمعیتی بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ (به هزار نفر)

رشد	۱۳۶۵				۱۳۵۵				۱۳۴۵				۱۳۳۵				طبقات جمعیتی شهرها
	رشد	درصد	جمعیت	تعداد شهر	رشد	درصد	جمعیت	تعداد شهر	رشد	درصد	جمعیت	تعداد شهر	رشد	درصد	جمعیت	تعداد شهر	
۶/۱	۲۲/۴	۶/۰۲۲	۱	۲۸/۶	۴/۵۳۹	۱	۲۷/۸	۲/۷۲۰	۱	۲۵/۲	۱/۵۲۱	۱	۲۵/۲	۱/۵۲۱	۱	تهران	
	۲۲/۳	۶/۰۱۵	۷	۵/۸	۱/۹۲۷	۳	۶/۴	-	-	-	-	-	-	-	-	۵۰۰ هزار نفر و بیشتر	
	۸/۳	۲/۴۵	۸	۸/۵	۱/۳۴۵	۴	۱۸/۲	۱/۷۸۰	۵	۹/۱	۵۲۵	۲	۹/۱	۵۲۵	۲	۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر	
	۱۳/۵	۳/۶۲۲	۲۵	۱۳/۶	۲/۱۵۳	۱۵	۱۱/۹	۱/۱۶۸	۸	۱۶/۵	۹۹۴	۶	۱۶/۵	۹۹۴	۶	۱۰۰ تا ۳۵۰ هزار نفر	
	۶۶/۵	-	-	۶۲/۸	-	-	-	۵۷/۹	-	۵۰/۸	-	-	۵۰/۸	-	-	درصد جمعیت به کل جمعیت شهری	
۷/۵	۱۲/۳	۳/۲۰۰	۴۶	۳/۷	۱/۵۳۲	۲۳	۵/۴	۱۰/۹	۱/۰۶۸	۱۵	۶۳۳	۹	۱۰/۶	۶۳۳	۹	۱۰۰ تا ۵۰ هزار نفر	
۴/۲	۸/۶	۲/۳۰۹	۶۷	۳/۶	۱/۵۴۰	۴۵	۳/۵	۱۱	۱/۰۸۱	۳۰	۷۶۵	۲۲	۱۲/۸	۷۶۵	۲۲	۲۵ تا ۵۰ هزار نفر	
۳/۴	۸/۵	۲/۲۰۰	۱۴۵	۴/۱	۱/۶۴۸	۱۰۹	۲/۳	۱۱/۲	۱/۱۰۳	۷۲	۸۷۰	۵۶	۱۴/۵۳	۸۷۰	۵۶	۱۰ تا ۲۵ هزار نفر	
۳/۲	۳/۱	۸۳۳	۱۱۳	۲/۸	۱/۱۵۷	۱۶۸	۲/۴	۸/۲	۷۹۵	۱۱۸	۶۲۸	۹۰	۱۰/۵	۶۲۸	۹۰	۱۰ تا ۱۰ هزار نفر	
۲۷/۶	۰/۹۵	۲۴۸	۶۴	-۱۱/۴	۰/۱	۲۱	۴/۸	۰/۷۶	۷۲	۱۸	۴۵/۳۱۳	۱۲	۰/۷۵	۴۵/۳۱۳	۱۲	۲ تا ۵ هزار نفر	
-	۰/۰۴	۹	۲۰				۸/۴	۰/۰۴	۴	۴	۱/۸۰۰	۱	۰/۰۲	۱/۸۰۰	۱	۲۰۰۰ نفر	
-	۱۰۰	۲۷/۰۰۰	۴۹۶	-	۱۰۰	۱۵/۸۷۵	۳۷۳	۱۰۰	۹/۷۹۰	۲۷۱	۵/۹۹۹	۱۹۹	۱۰۰	۵/۹۹۹	۱۹۹	کل جمعیت شهری	

### طبقه‌بندی و پیش‌بینی رشد شهرهای کشور در هدفهای عمران شهری

در اهداف کمی عمران شهرهای کشور در دوره مختلف برنامه‌ریزی، شهرهای کشور را به پنج گروه تقسیم کرده‌اند. در این برنامه‌ریزیها سعی شده، جمعیت در هر گروه از شهرها، در قالب برنامه‌ریزیهای آینده، همانطور که در بیشتر کشورهای جهان سوم مدنظر بوده، در یک نظام سلسله مراتبی مطلوب قرار گیرند و هدف اصلی کنترل جمعیت شهرهای بزرگتر و ایجاد امکانات رشد برای شهرهای کم جمعیت بوده است (جدول شماره ۵).

طبق این برنامه‌ریزیها که برای یک دوره ۲۰ ساله از ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۱ تنظیم شده است، پیش‌بینی شده که جمعیت شهر تهران و گروه شهرهای بزرگ از ۵/۵۰٪ در سال ۱۳۶۱ به ۳/۴۵٪ کاهش یابد. در این میان در حالی که رشد شهرهای متوسط کنترل می‌شود. جمعیت شهرهای کوچک یعنی شهرهای بین ۵ تا ۲۵ هزار نفر یا روستا شهرها از ۸/۱۶٪ کل جمعیت شهری به ۱/۱۸٪ افزایش می‌یابد. در این میان شهرهای متوسط کوچک نیز از اولویت افزایش جمعیت شهری برخوردار هستند.<sup>۸</sup>

علی‌رغم این اهداف و جهت‌گیریهای توسعه آینده به نفع شهرهای کوچک، بررسیها نشان می‌دهد که واقعیت با آنچه که در برنامه‌ریزیها پیش‌بینی شده است، تطبیق نمی‌کند. سرشماری سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ تغییرات محسوسی را به نفع شهرهای پرجمعیت و به ضرر شهرهای کم جمعیت نشان می‌دهند. با این که ۳/۲ کشورها در حال توسعه معتقد بوده‌اند که کاهش روند مهاجرت به مراکز شهری و کلان شهرها برای توزیع فضایی جمعیت نامتناسب بوده است و کشور ما نیز در این باره جهت‌گیریهای مثبتی را اعمال کرده است، با این همه مشکلات مربوط به توزیع نامتعادل جمعیت و آهنگ مهاجرت، اگر هم در بعضی کشورها ثابت مانده یا از رشد تصاعدی باز ایستاده، باز هم به قوت خود باقی است (جدول شماره ۴). در کشور ما سعی بر این است که گروه شهرهای ۵ تا ۲۵ هزار نفر که غالباً براساس اهداف خدمات روستایی بنا شده‌اند و عملاً مراکز شهری - روستایی محسوب می‌شوند، به صورت مراکز و کانون و اهرمهایی برای کنترل مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ درآیند، با این همه موفقیت در این مورد محدود و از نظر منطقه‌ای تفاوت‌های چشمگیری را نشان می‌دهد. مطالعات منطقه‌ای در این زمینه، ضمن عدم موفقیت این سیاستها، تفاوت‌های ناحیه‌ای را نیز بازگو خواهد کرد.

جدول شماره ۵: تحولات جمعیت شهری و روستایی مراکز شهری طی سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۱ (به هزار نفر)

تعدادشهر	۱۳۸۱		۱۳۷۶		۱۳۷۱		۱۳۶۶		۱۳۶۱		گروههای شهری
	تعدادشهر	درصد	تعدادشهر	درصد	تعدادشهر	درصد	تعدادشهر	درصد	تعدادشهر	درصد	
۱	۲۳	۱۰۰۵۵۲	۱	۲۴/۹	۱	۲۷/۲	۱	۲۸/۷	۱	۲۹/۴	گروه ۱ تهران
۲۷	۲/۳	۱۰۰۲۲۵	۲۲	۲۲/۱	۱۸	۲۱/۸	۱۱	۲۱/۵	۹	۲۱/۱	گروه ۲ شهرهای بزرگ
۴۷	۱۵/۹	۷۰۲۷۵	۳۵	۱۵/۵	۳۳	۱۴/۹	۲۸	۱۴/۵	۲۳	۱۴/۱	گروه ۳ شهرهای متوسط بزرگ
۱۷۵	۲۰/۷	۹۰۴۹۴	۱۴۴	۲۰	۱۱۱	۱۹/۲	۹۵	۱۸/۸	۸۱	۱۸/۶	گروه ۴ شهرهای متوسط کوچک
۸۳۲	۱۸/۱	۸۳۲۴	۶۶۴	۱۷/۵	۵۳۱	۱۶/۹	۴۲۴	۱۶/۶	۳۵۲	۱۶/۸	گروه ۵ شهرهای کوچک
۱۰۸۲	۱۰۰	۴۵۸۷۰	۸۶۶	۱۰۰	۶۹۴	۱۰۰	۳۸۰۷۰	۱۰۰	۴۶۶	۱۰۰	جمع مناطق شهری
-	۶۱/۶	۴۵۸۷۰	-	۵۹/۵	-	۵۷/۱	-	۵۴/۱	-	۵۱/۱	جمعیت شهری
-	۳۸/۴	۲۸۰۵۶۸	-	۴۰/۵	-	۴۲/۹	-	۴۵/۹	-	۳۸/۹	جمعیت روستایی
-	۱۰۰	۷۴۴۳۸	-	۱۰۰	-	۱۰۰	-	۱۰۰	-	۱۰۰	جمعیت کل کشور

منبع: سازمان برنامه و بودجه، برنامه اول توسعه اجتماعی - اقتصادی پنجمین برنامه اول ۱۳۶۷-۱۳۶۳، بخش عمران شهری.

### ج - استان زنجان، الگویی ناموفق در جهت‌گیریها به سوی توسعه و گسترش شهرهای کوچک

#### ۱- جایگاه شهرهای استان زنجان در سطح ملی و منطقه‌ای

براساس مطالعاتی که به منظور سازماندهی نظام سلسله مراتب شهرهای ایران و الگوی نخست شهری برای کلیه شهرهای بالای ۳۰ هزار نفر انجام گرفته، شهر زنجان در سال ۱۳۴۵ با جمعیتی برابر ۵۸۷۱۴ نفر جمعیت بیست و پنجمین شهر کشور بوده است. این جایگاه در طول سالهای ۴۵ تا ۷۰ بطور نسبی حفظ شده و مرتبه شهر زنجان در بین شهرهای کشور بین ۲۳، ۱۹ در نوسان بوده است (جدول شماره ۶)<sup>۹</sup>.

جدول شماره ۶: جایگاه شهر زنجان در نظام شهری کشور ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰

شهر	جمعیت	مرتبه	شهر	جمعیت	مرتبه	شهر	جمعیت	مرتبه	شهر	جمعیت	مرتبه
	۱۳۳۵			۱۳۶۵			۱۳۵۵			۱۳۷۰	
بروجرد	۴۹۱۸۶		یزد	۳۳۰۴۸۲	۱۸	بروجرد	۱۰۱۳۲۵	۲۲	خرم‌آباد	۵۹۵۷۸	۲۴
زنجان	۴۷۱۵۹		زنجان	۲۱۵۲۶۱	۱۹	زنجان	۱۰۰۳۵۱	۲۳	زنجان	۵۷۸۱۲	۲۵
کاشان	۴۵۹۵۵		اسلامشهر	۲۱۵۱۲۹	۲۰	سنتدج	۹۵۸۷۲	۲۴	کاشان	۵۸۴۶۸	۲۶
			بندرعباس							۲۴۹۵۰۴	۲۰

عوامل فوق بیانگر حفظ موقعیت شهر زنجان در سطح ملی است و نشان می‌دهد که شهر زنجان به موازات شهرهای متوسط بزرگ و متروپلهای استانی به افزایش جمعیت خود دست زده است و موقعیت برتر خود را به عنوان نخست شهر استانی حفظ کرده است<sup>۱۰</sup>. با این که این شهر در دوره‌هایی در مقابل توسعه فزاینده شهر قزوین بخصوص از نظر اقتصادی نمی‌توانست کارآئی لازم را از خود نشان دهد، با این همه موقعیت شهر زنجان در سطح ملی در جریان ۳۵ سال علی‌رغم دگرگونیهای زیادی که در مرتبه برخی از شهرها رخ داده است (مثلاً زاهدان از مرتبه ۴۳ به رتبه ۱۰، بندرعباس از مرتبه ۴۵ به مرتبه ۲۰ و کرج از مرتبه ۳۴ به مرتبه ۹ رسیده است، یا کاهش مرتبه بعضی شهرها مانند کاشان از ۲۰ به ۳۱ و قزوین

۹- دکتر فاطمه بهفروز، «تحلیلی نظری - تجربی برای متعادل‌سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای

ایران، پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۱۸، سال ۱۳۷۱.

۱۰- حسین حانمی‌نژاد، «ارزیابی مدل‌های کتی در شبکه شهری استان خراسان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره

از ۱۲ به ۱۷، مسجد سلیمان از ۲۱ به ۴۵) همچنان حفظ شده است.

موقعیت سه شهر برتر استان نیز در سطح ملی آنچنان رشدی را نشان نمی‌دهد. سه شهر تاکستان، ابهر، خرمدره که امروز بیش از ۳۰ هزار نفر جمعیت دارند، جایگاه مطلوبی را در نظام سلسله مراتبی شهرها به دست نیاورده‌اند و مرتبه آنها در مراتب بیش از ۱۰۰ در نوسان بوده است<sup>۱۱</sup>.

## ۲- ساختار نظام شهری و تحولات آن در استان

براساس آخرین تقسیمات سیاسی، اداری (سال ۱۳۷۴) استان زنجان دارای ۱۳ نقطه شهری بوده است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: تعداد مرتبه و جمعیت شهری استان زنجان در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰

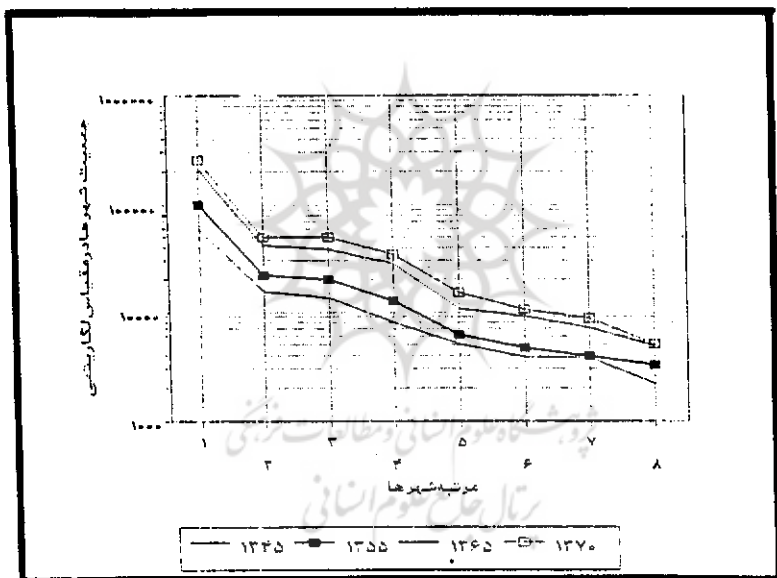
شهر	۱۳۷۰			۱۳۶۵			۱۳۵۵			۱۳۴۵		
	رتبه	درصد	جمعیت	رتبه	درصد	جمعیت	رتبه	درصد	جمعیت	رتبه	درصد	جمعیت
زنجان	۱	۵۹/۴	۲۵۴۱۰۰	۱	۶۰/۵	۲۱۵۲۶۱	۱	۵۷/۸	۱۰۰۳۵۱	۱	۵۲/۱۵	۵۸۷۱۴
تاکستان	۲	۱۱/۶	۴۹۹۲۷	۲	۸/۸	۳۸۵۱۷	۳	۱۱/۵	۲۰۰۳۰	۳	۱۲/۲	۱۳۴۸۵
ابهر	۳	۱۱/۶۰	۴۹۹۰۸	۳	۱۱/۷	۴۱۶۲۸	۲	۱۲/۸	۲۲۱۸۴	۲	۱۳/۹	۱۵۳۹۳
خرمدره	۴	۸	۳۴۲۷۱	۴	۷/۹	۲۸۳۲۰	۴	۷/۲۵	۱۲۵۷۳	۴	۷/۲	۷۹۵۹
خدابنده	۵		۱۵۱۳۶	۵		۱۰۷۱۸	۸		۳۲۹۳	۸		۲۲۰۴
هیدج	۶	۹/۲۷	۱۰۶۳۹	۶	۱۱	۹۱۰۷	۵	۱۰/۵۶	۶۲۱۲	۵	۱۳/۵۵	۵۰۷۸
صائین قلعه	۷		۸۶۸۲	۷		۷۱۵۱	۶		۴۶۷۲	۶		۳۸۴۴
سلطانیه	۸		۵۱۱۴	۸		۲۹۲۸	۷		۳۹۲۹	۷		۳۷۸۲
ضیاء آباد			۵۷۶۲									
آب بر			۳۴۴۲									
ماه نشان			۳۱۷۳									
گرماب			۲۶۹۸									
دندی			۱۰۱۴									

۱۱- اصغر نظریان، «نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، ۱۳۷۳.



براساس جدول فوق، الگوی مرتبه - اندازه ۱۳ شهر استان در مدل توزیع لگاریتمی پراکنش شهرها مورد آزمایش قرار گرفته است. ۱۲

در حالت با قاعدگی و متناسب کل سلسله مراتب شهری که نسبت مرتبه و اندازه کاملاً متعادل است  $q$  برابر ۱ می باشد. در این محاسبه  $q$  برای هر یک از ۱۳ استان از  $1/31$  تا  $1/0.5$  متغیر است و میانگین آن برابر  $0/98$  می باشد. ولی زاویه شکست با شهر اول (زنجان) نزدیک به ۹۰ می باشد. به منظور مطالعه روند و وضعیت توزیع لگاریتمی نظام سکونتگاهی استان با حذف ۵ نقطه شهری دندی، ضیاءآباد، ماه نشان، آب بروگرماب که در سالهای قبل از ۱۳۷۰ روستا بوده اند و جمعیت قابل توجهی نداشتند، در مورد استخراج جمعیت شهری، در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰ اقدام شد که می توان توزیع لگاریتمی آنها را ترسیم کرد (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: نمایش رابطه بین مرتبه و جمعیت شهرهای استان زنجان

در سال ۱۳۴۵ - ۱۳۷۰

۱۲- فرمول عبارتست از:

$$R = P_1 : P_r^q \rightarrow P_R = \frac{P}{R} \quad \text{یا} \quad \text{Log}r = \text{Log}p_1 - q \text{Log}R \rightarrow q = \frac{\text{Log}P_1 - \text{Log}R}{\text{Log}Pr}$$

که  $R$  برابر مرتبه شهر،  $P_1$  جمعیت شهر اول،  $r$  جمعیت شهرهای دیگر و  $q$  مساوی شیب خط مرتبه اندازه است.

بررسیها در نظام سلسله مراتبی شهرها نشان می‌دهد که ارقام نامناسب و غیرواقعی برای جمعیت شهرهای رده دوم به بعد حاصل شده است. زیرا به دلیل تمرکز فوق‌العاده جمعیت در نخست شهر برای دومین و سومین شهر و الی آخر، بایستی به نسبت مقایسه‌ای با اولین شهر انتظار اندازه جمعیتی زیادتیری را داشته باشیم، در این صورت با کمبود واقعی برای توزیع در شهرها به نسبت نخست شهر (زنجان) روبرو هستیم که عدم تعادل در نظام سلسله مراتبی را نشان می‌دهد. رابطه شهر اول با دو شهر دوم و سوم (ابهر و تاکستان) یک رابطه ۱ به ۵ است و تسلط خردکننده و رشد فراینده شهر زنجان را به نسبت دو شهر فوق نشان می‌دهد. علی‌رغم این که موقعیت بسیار مناسب ناحیه‌ای صنعتی و قرار گرفتن در محور توسعه صنعتی غرب برای هر دو شهر فراهم است. با این همه این دو شهر در مقابل موقعیت سیاسی - اداری زنجان همچنان ناتوان مانده‌اند.

با اینکه سه شهر تاکستان، ابهر و خرمدره در محور غرب تهران به کانونهای صنعتی عمده تبدیل شده‌اند و در انطباق با تمرکززدایی صنایع از تهران فاصله مناسبی را با تهران و قزوین دارند، باز شهر زنجان تحت شرایط جغرافیایی خاص و موقعیت اداری برتری خود را حفظ کرده است. در ارتباط با توسعه شهری در طبقات مختلف جمعیتی پس از زنجان ملاحظه می‌کنیم که سه شهر تاکستان، ابهر، خرمدره به موازات توسعه منطقه‌ای و رشد جمعیت شهری به رشد و توسعه دست یافته‌اند و بقیه شهرهای کوچک یا روستا شهرها جایگاهی را در نظام و شبکه شهری اشغال نمی‌کنند. سه شهر تاکستان، ابهر و خرمدره نیز حتی نتوانسته‌اند، سهم جمعیتی خود را در سطح منطقه، بطور کامل حفظ کنند و مجموع جمعیت آنها از  $\frac{۳۳}{۳}$ ٪ کل جمعیت شهری استان به  $\frac{۳۱}{۳۳}$ ٪ تقلیل یافته است. سهم چهار شهر کوچکتر و شهرهای کمتر از ۱۵ هزار نفر نیز از  $\frac{۱۳}{۵۵}$ ٪ به  $\frac{۹}{۲۷}$ ٪ تقلیل پیدا کرده است. بدین ترتیب شهرهای کوچکتر و روستا شهرها مثل بیشتر شهرهای کوچک کشور در مقایسه با شهر برتر رشد منفی دارند. پدیده‌ای که در سطح کشورهای جهان سوم و سطح ملی، همانطور که ذکر شد ملاحظه می‌شود (جدول شماره ۷).

### پتانسیلهای جمعیتی استان در پویایی شهرهای کوچک

در سرشماری سال ۱۳۵۵ استان زنجان با شهرستان قزوین در مجموع دارای ۲۰۱۴ آبادی بود که در سرشماری سال ۱۳۶۵ به ۲۶۹۰ آبادی رسید. از این تعداد به ترتیب ۸۸ و ۷۰۷ آبادی خالی از سکنه بودند. مجموع آبادیهای محدوده فعلی استان زنجان، شامل چهار شهرستان، زنجان، ابهر، خرمدره، خدابنده و تاکستان در دوره‌های سرشماری ذکر شده ۱۱۶۴ و ۱۲۶۵ آبادی بود. تعداد آبادیهای خالی از سکنه در این دو سرشماری ۴۹ و ۲۷۷ مورد بود. در سرشماری سال ۱۳۷۰ نیز تعداد آبادیها، ۱۱۱۶ آبادی بوده است.

از کل آبادیهای موجود در سال ۱۳۶۵ تعداد آبادیهای بالای هزار نفر ۱۲۸ آبادی بوده که از آن تعداد فقط ۹ آبادی بالای ۳ هزار نفر جمعیت و فقط یک آبادی بیش از ۵ هزار نفر جمعیت داشت. در سال ۱۳۷۰ تعداد این نوع آبادیها به ۱۳ مورد تقلیل یافته بود (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸: توزیع آبادیهای استان زنجان در سطوح جمعیتی ۵۰۰+ نفر از ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰

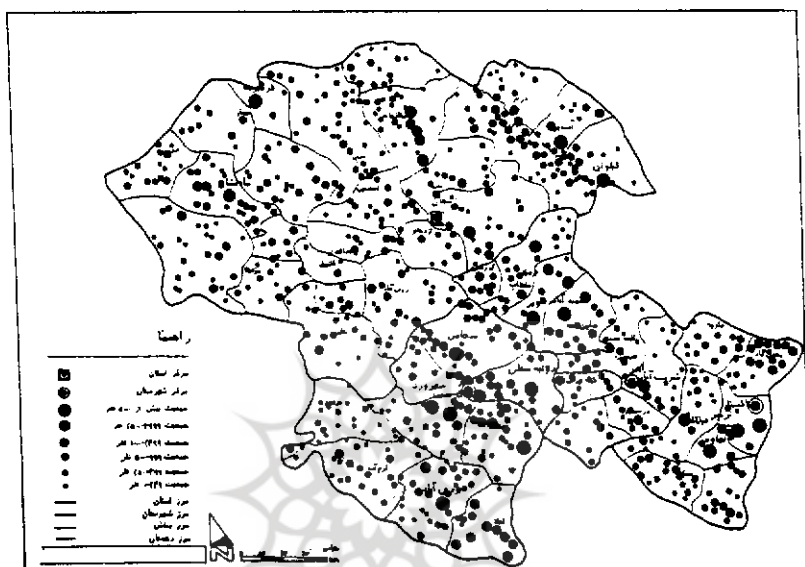
شهرستان	۱۳۵۵			۱۳۶۵			۱۳۷۰		
	۱۰۰۰ تا ۵۰۰	۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰	۴۰۰۰+	۱۰۰۰ تا ۵۰۰	۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰	۴۰۰۰+	۱۰۰۰ تا ۵۰۰	۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰	۴۰۰۰+
جمع استان	۲۷۰	۸۷	۶	۲۶۱	۱۱۹	۹	۲۴۱	۱۳۹	۱۳
زنجان	۱۳۲	۳۱	-	۱۲۸	۳۹	۱	۱۲۳	۴۸	۳
خدابنده	۵۳	۲۰	۲	۶۱	۳۱	۴	۶۱	۲۷	۵
ابهر - خرمدره	۳۸	۱۵	۲	۲۵	۲۴	۱	۲۷	۲۷	۲
تاکستان	۴۷	۲۱	۲	۴۷	۲۵	۳	۳۰	۲۷	۳

مأخذ: فرهنگ آبادیهای شهرستانها، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۶۵۰۷۰، ۱۳۵۵.

توزیع این آبادیها در سطح منطقه بیانگر رشد تعداد آبادیهای بالای هزار نفر در منطقه شرق به طرف شهرستانهای تاکستان، ابهر و خرمدره است که در مجموعه جمعیت روستایی نسبت به شهرستانهای زنجان و خدابنده کمترین جمعیت و تعداد آبادیها را دارند (۷۱٪ آبادیها در سال ۱۳۶۵ در شهرستان زنجان و خدابنده قرار دارند). با این همه ۵۳ آبادی از ۱۲۸ آبادی بالای هزار نفر و ۴ آبادی از ۹ آبادی بالای سه هزار نفر در شهرستانهای شرقی قرار دارند. با در نظر گرفتن تعداد آبادیهای واقع در محدوده سیاسی این سه نقطه شهری، گرایش به افزایش جمعیت آبادیهای پرجمعیت کاملاً مشهود است.

اساساً استان زنجان از دو منطقه کوهستانی - کشاورزی و منطقه نسبتاً کم ارتفاع کشاورزی - صنعتی تشکیل شده است. گسترش صنعت در محور غرب از تهران به قزوین و از قزوین به طرف زنجان، عمده بخش شرقی استان زنجان یعنی تاکستان، ابهر و خرمدره را بیش از پیش مورد تأثیر قرار داده است که اثرات فزاینده و دگرگون ساز آن در بخش اعظم نواحی روستایی نیز منعکس شده است و نقش فضایی قابل توجهی را دارا می باشد. در صورتی که در غرب در شهر زنجان اثرات توسعه صنعتی و دگرگون ساز در شهر زنجان مؤثر افتاده و باعث توسعه و قطبی شدن شهر زنجان شده که بازتاب آن در دگرگونی

فضایی غرب زنجان به صورت مهاجر به طرف شهر زنجان تجلی کرده است. این کانونها در آینده به عنوان کانونهای شهری قابل پیش‌بینی هستند و می‌توانند در ساختار فضایی و پیوند جوامع روستایی نقش محلی داشته باشند (نقشه شماره ۱).



نقشه شماره ۱: تراکم آبادیهای روستایی استان زنجان

مأخذ: سنن مطالعات استان زنجان، جلد اول، مهندسین مشاور شهابک، تابستان ۱۳۷۵.

### خلاصه و نتیجه

گرایش به الگوی عدم تمرکز توسعه فضایی، بویژه در جهت توسعه شهرهای کوچک و میانی بروشنی در سیاست بیشتر کشورهای در حال توسعه ظاهر شده است. تفاوت در سطح شهرنشینی کشورهای مختلف نیز نقش مؤثری در تعیین چنین سیاستهایی ایفا می‌نماید. در این میان میانی‌تئوریک در رشد و توسعه شهرها، واقعیت‌های ملی - منطقه‌ای و درجه توسعه یافتگی و عملکردها، این گرایشها را هدایت و سطوح موفقیت یا عدم موفقیت در این زمینه را توجیه می‌نمایند.

- از نظر تئوریک این موضوع پذیرفته شده است که کارآئی اقتصادی شهر زمانی که به سطح معینی از جمعیت می‌رسد رو به کاهش می‌نهد. بحث اصلی بر این است که مقیاس یا اندازه اقتصادی

شهر نامحدود نبوده و زمانی که این اندازه به سطح معینی از جمعیت برسد، زیانهای اقتصادی جانشین صرفه‌های اقتصادی شده و افت کارآیی شهر را موجب می‌شود. هزینه‌های سرانه تهیه زیربنای خدمات شهری نیز به صورت نامتناسبی رشد می‌کند. در نتیجه با در نظر گرفتن پایه‌های اقتصادی کشورهای در حال رشد توسعه نگهداری و توسعه شهرهای بزرگ را برای این کشورها پرهزینه‌تر می‌سازد.<sup>۱۳</sup> به این ترتیب ارجحیت با آن اندازه و مرتبه از شهرها خواهد بود که هزینه نهایی خدمات زیربنایی در آنها حداقل بوده و یا کمترین هزینه ممکن را عرضه می‌دارند. اندازه بهینه شهر در مقیاسهای ملی و بین‌المللی پیشنهاد شده است. الگوها و مدل‌های ارائه شده در این باره نیز تمایل توسعه شهرهای کم‌جمعیت و میانی را ارائه داده‌اند.<sup>۱۴</sup>

- واقعیت‌های ملی و منطقه‌ای و تأمین عدالت اجتماعی از نظر تعادل فضایی نیز از مواردی است که توزیع متعادلتر جمعیت برای نیل و تحقق اهداف توسعه ملی را در ارجحیت دادن به توسعه شهرهای کوچک و میانی می‌داند. براساس ملاحظات مربوط به برابری، این نکته پذیرفته شده است که تمرکز بی‌رویه جمعیت در چند شهر بزرگ حالت وابستگی و دوگانگی را موجب شده و یکپارچگی ملی را مختل می‌سازد. کشورهای در حال توسعه همچنین این نکته را مطرح می‌سازند که الگویی که در آن جمعیت شهری، فعالیتها و تصمیم‌گیریها در چند مرکز محدود تمرکز یافته است، یک الگوی استثمارگراانه بوده و به انتقال منابع از شهرهای کوچک و نواحی روستایی به مراکز بزرگ و کلان شهرها منتج می‌شود. از این رو توزیع متوازن جمعیت باید ارجحیت یابد.<sup>۱۵</sup>

- تجارب کشورهای پیشرفته در زمینه روند کاهش تدریجی و رعایت سلسله مراتب شهری با توجه به مجموعه مدل‌هایی که ارائه می‌دهند، از آنجمله الگوی نخست شهری که در بعضی از کشورهای پیشرفته نیز مطرح است، نمی‌تواند بطور کامل در کشورهای در حال توسعه مصداق داشته و انطباق یابد. در این راستا درجه توسعه یافتگی و نوع عملکردهایی که دولت‌ها در صحنه بین‌المللی ایفا می‌کنند نیز مطرح است. بدین ترتیب در یک جریان اقتصادی وابسته به نظام سرمایه‌داری جهانی و اقتصاد آزاد

۱۳- سعید عابدین درکوش، درآمدی به اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۴، ص ۹۱-۹۴.

۱۴- اصغر نظریان، منبع پیشین و نیز «شبکه شهری و نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۲.

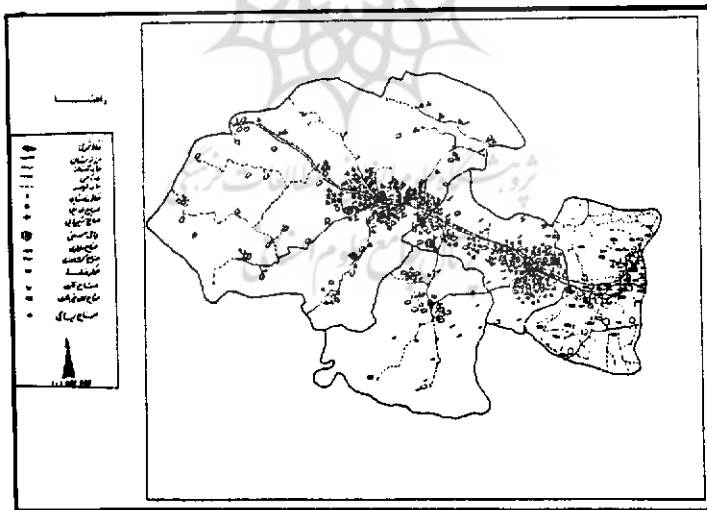
۱۵- براکاش، مانور، (UNCRD؛ مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد)، همان منبع.

جهانی نمی‌توان جایگاه شهرهای کوچک را موضوعی دانست که طی زمان و در جریان اقتصاد ملی حل شود. بلکه الگوی توزیع فضایی باید به وسیله سیاست‌هایی اندیشمندانه که برای توسعه شهرهای کوچک قابل قبول می‌باشد، اعمال شود. اقدامات مداخله‌گرانه دولت‌ها برای رسیدن به یک الگوی غیرمتمرکز فضایی باید با توجه به شرایط جغرافیایی اقتصادی و اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

با توجه به مجموعه مباحث بالا و شرایط و واقعیت‌هایی که در مورد جایگاه شهرهای کوچک در شبکه، سلسله مراتب و توسعه اقتصاد ملی مطرح شد، چنین نتیجه گرفته می‌شود که علی‌رغم افزایش تعداد شهرهای کوچک سهم جمعیتی و پایگاه محلی و نقش آنها در سازماندهی فضای روستایی، علاوه بر این که افزایش نیافته، کاهش نیز داشته است. مطالعات مربوط به مسائل و سلسله مراتب شهری ایران نیز، بدون استثناء، عملکرد و نقش‌های در حال تزاید متروپلها و کلان شهرها را نشان می‌دهد که در نهایت به ضرر شهرهای کوچکتر است. به همین علت با توجه به شرایط جغرافیایی و سرزمین ملی سیاست‌های مداخله‌گرانه در این تعادل فضایی بیش از پیش احساس می‌شود، بخصوص در مورد شهرهای کوچک که به دلایل متعدّد، مناسبترین پایگاه‌های توسعه ملی را در اختیار داشته باشند. بنابراین به نظر می‌رسد که در سطح ملی، باید سیاست نظم فضایی به نفع شهرهای کوچک اعمال شود. این موضوع از ضروریات تعادل بخشی فضای ملی است زیرا در ایران، تباین جغرافیایی موجب عدم تعادل ناحیه‌ای شده است که نتیجه آن تفاوت در ساختار و پراکندگی در سطح ملی است. بدین ترتیب شکل‌گیری فضای ملی را دچار اختلاف کرده است. به علاوه بنیادهای جغرافیایی در جذب جمعیت شرایط اکولوژیکی خاص خود را طلب می‌کنند که عدم تعادل در آن موجب برهم خوردن شرایط زیست محیطی خواهد شد. بدین جهت با توجه به مجموعه شرایط و مسائل عنوان شده و تجربیاتی که در طول دهه‌های گذشته به دست آمده است، هرگونه تصمیم‌گیری در سیاست تعادل بخشی نظام شهری ایران باید از پایین شروع شود تا ضمن حفظ روابط اورگانیکی مکانهای مرکزی و بالاخره شهرها با نواحی و قلمرو طبیعی، جوامع انسانی در داخل یک سیستم با حفظ وابستگی بنیادی و متعلق به مجموعه‌ها در مفهوم فضایی آن شکل گیرند. بدین طریق ضمن نفوذ فرهنگ شهرنشینی به جوامع کوچکتر و روستایی، روابط اورگانیکی آنها با مراتب بالاتر از خود نیز حفظ خواهد شد. علاوه بر این که پتانسیل کافی برای جذب سرمایه‌گذاران و حفظ آن در سطوح پایین شبکه و سلسله مراتب شهری ایران بدون قطب شدن شهرهای بزرگ، پیوستگی با شهرهای کوچک و متوسط فراهم خواهد آمد. مشکلات شهرهای بزرگ نیز که بیشتر ناشی از مهاجرت بی‌رویه روستاییان می‌باشد، تا اندازه‌ای تعدیل خواهد شد. بتدریج نظام روابط شهر و روستا با گذشت زمان به یک سیستم شبکه ناحیه‌ای با یک مجموعه فضایی تبدیل می‌شود که در آن شهر مرکزی یا متروپل ناحیه مجموعه‌ای از

فضای اطراف شهری و شبکه‌ای از قطبهای شهری ثانوی را در حوزه جاذبه خود نگه می‌دارد. عدم تعادل ناحیه‌ای با پیدایش هسته‌های ثانوی و بالاخره پیدایش یک شبکه شهری، روز بروز به حداقل می‌رسد. در سطح منطقه‌ای با تبعیت از نظم ملی به پیوستگی و هم‌گروهی استان زنجان در پیوند با توسعه و برنامه‌ریزی بخش مرکزی ایران در وابستگی با تهران باید به سیاست توسعه محوری توجه داشت. همبستگی و پیوستگی استان زنجان با قطب صنعتی قزوین و قرار گرفتن در محور غرب و انتقال بخش عظیمی از صنایع تولیدی به خارج از شعاع ۱۵۰ کیلومتری تهران، موجب شده که استان زنجان، بخصوص بخش شرقی آن در برنامه‌ریزیهای منطقه‌ای با تهران پیوند یابد، تداوم این پیوستگی و همبستگی در توسعه و عمران بخش مرکزی ایران در عین برخورداری از امواج توسعه‌های اقتصادی باعث ایجاد دوگانگی فضایی شده است. نکته‌ای که در جریان سالهای اخیر بوضوح شاهد آن هستیم. همانطور که گفتیم استان زنجان از دو منطقه کوهستانی، کشاورزی و منطقه نسبتاً کم‌ارتفاع کشاورزی - صنعتی تشکیل شده است (نقشه شماره ۲).

گسترش صنعت در شرق از قزوین به طرف زنجان، بخش شرقی استان زنجان را بیش از پیش مورد تأثیر قرار داده است در صورتی که در غرب استان، توسعه صنعتی و جریانات سیاسی، اداری در شهر زنجان اثر گذاشته و موجب قطبی شدن شهر زنجان شده و مهاجرت و خالی شدن جوامع روستایی را موجب شده است.



نقشه شماره ۲: پراکندگی صنایع در استان زنجان

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه استان زنجان، مطالعه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مرحله اول، ۱۳۷۴.

با این همه علی‌رغم امکانات توسعه، شرق استان نتوانسته است، پیدایش کانونهای بیشتری را بطور رسمی نشان دهد و چهره‌های فرهنگ شهری نیز بازتاب چندانی در منطقه ندارد. در منطقه غرب استان نیز توسعه خردکننده شهر زنجان، موقعیت کوهستانی و مشکلات ارتباطی به پیدایش نقاط شهری امکان نداده است. در نتیجه در کل منطقه، با این که در مواردی امکان افزایش نقاط شهری کوچک فراهم آمده باز هم استان در سال ۱۳۷۴ فقط ۵ نقطه روستایی را به عنوان نقاط شهری اعلام داشته است. در صورتی که بخش غربی به مداخله بیشتر سیاسی - اداری از نظر ایجاد کانونهای خدمات روستایی و نهایتاً جوامع شهری نیازمند است.

نتیجه کلی این که در سطح استان نه زیربنای جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و نه تصمیم‌گیریهای سیاسی، اداری به سازماندهی مطلوب فضایی نیانجامیده است و نقش شهر زنجان در سازماندهی فضایی استان فقط به رشد و قطبی شدن این شهر منتهی شده است. ضرورت خدمات‌رسانی به سرزمینی با حداقل ۱۲۰۰ واحد روستایی، برخورداری از رشد و توسعه شهری، امکانات زیربنایی، تسهیلاتی و خدماتی، ضرورت سازماندهی فضایی در سطوح میانی و پایین نسبت به سطح منطقه‌ای را طلب می‌کند. تا نقاط دورافتاده که در مجاورت با استانهای دیگر نیز به ارتباط آسان و سریعی دسترسی ندارند و به شهرهای مهم و یا مراکز خدماتی نیز نزدیک نیستند براحتی بتوانند در چهارچوب منطقه‌ای به رشد و توسعه دسترسی داشته باشند.